ذره بین

روایت علاءالدین بروجردی از موضع ایران در قبال مذاکره با غرب

از حقوق قانونی ملت کوتاه نمی‌آییم

مذاکره دیکته شده پذیرفتنی نیست

در روزهای گذشته وزیرامورخارجه کشورمان در مصاحبه‌ای، درباره اینکه آیا امکان از سرگیری مذاکرات با آمریکا وجود دارد، تاکید کرد که این موضوع به آمریکا بستگی دارد. ایرنا نوشت؛ عباس عراقچی گفت: اگر رویکرد خود را تغییر دهند و آماده یک مذاکره منصفانه و متوازن، یعنی مذاکرات متقابل سودمند باشند، ما هم آماده‌ایم. وزیر امورخارجه جمهوری اسلامی ایران یادآور شد: ایران در حال مذاکره باطرف مقابل بود، رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا به ایران حمله کرد. آمریکایی‌ها آماده مذاکره متقابل سودمند بر اساس برابری و احترام متقابل نیستند. اما به محض اینکه به این نتیجه برسیم که آنها آماده چنین مذاکره‌ای هستند، می‌توانیم مذاکرات را از سر بگیریم. البته مذاکره با دیکته کردن متفاوت است و فعلا قانع نشده‌ایم که آنها آماده مذاکره جدی و واقعی هستند؛ آنها می‌خواهند دیکته کنند و من کسی نیستم که به دیکته دیگران گوش کنم.

اقتدار ایران

یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در همین زمینه بیان داشت: آنچه که آمریکایی‌ها از جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند و ویتکاف (فرستاده آمریکا به منطقه غرب آسیا) به‌طور مشخص در تماس تلفنی با وزیر امورخارجه کشورمان مطرح کرده بود، در حقیقت پذیرفتن نتیجه مذاکرات دیکته شده است که جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده ما به مانند دیگر کشورها نیستیم که فرامین آمریکا را بپذیریم و اجرا کنیم. علاءالدین بروجردی گفت: جمهوری اسلامی ایران نظام مقتدری است که سابقه مقابله با حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه را دارد و پیش از این هم سربازهای متجاوز آمریکا را در آب‌های خلیج‌فارس به اسارت گرفته و پایگاه‌های نظامی آمریکا را هم در منطقه مورد هدف قرار داده است. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با تاکید بر اینکه این سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا در آینده هم ادامه خواهد داشت، تصریح کرد: اگر طرف مقابل دچار اشتباه محاسباتی در قبال ایران شود، قطعا ما با قدرت بیشتری پاسخ آنها را خواهیم داد. بنابراین مذاکره به معنی القاء نقطه‌نظرات آمریکا به فضای سیاسی ایران نیست و این رویه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هیچگونه جایگاهی نخواهد داشت. بروجردی با تاکید بر اینکه در ۴۷ سال گذشته، آمریکا در پی القاء این سیاست بوده که هنوز موفق نشده است، گفت: بسیاری از کشورها در قبال فشار آمریکا کوتاه آمده و عقب‌نشینی می‌کنند و تصور آمریکا این است که ایران نیز به مانند همان کشورها است. اما جمهوری اسلامی ایران در این سال‌ها ثابت کرده به‌عنوان کشوری که دارای قدرت نظامی است، در برابر این زیاده‌خواهی‌ها می‌ایستد و از منافع و امنیت خود دفاع می‌کند. وی درباره اصرار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از مراکز هسته‌ای آسیب‌دیده کشورمان پس از حمله آمریکا، افزود: گروسی به عنوان مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نشان داد که استقلال سیاسی ندارد و عامل آمریکا و رژیم صهیونیستی است. برهمین اساس در گام اول و قبال ایران باید گروسی حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به کشورمان را محکوم کند تا مشخص شود که به وظایف خود عمل کرده است تا در ادامه بتوان درباره نحوه تعامل با آژانس گفت‌وگو کرد. نماینده مردم لارستان در مجلس یادآور شد: حملات آمریکا در خردادماه امسال به تاسیسات هسته‌ای کشورمان سبب شد که روند توسعه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران کند شود. اما سیاست خارجی ما در قبال اقدام آمریکا روشن است و در آینده هم طبق همین چارچوب حرکت خواهیم کرد و از حق مردم ایران برای برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای به هیچ وجه عقب‌نشینی نخواهیم کرد.

ادعای واهی امارات

بروجردی درباره ادعای واهی امارات درخصوص جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که متعلق به جمهوری اسلامی ایران است، بیان داشت: این ادعا، موضوع جدیدی نیست و در سال‌های گذشته هم اماراتی‌ها موضوع واهی مالکیت جزایر سه‌گانه را در شورای همکاری خلیج‌فارس مطرح کرده بودند و گاهی هم در این باره بیانیه صادر می‌کنند. وی، پشت‌پرده صدور بیانیه از سوی شورای همکاری خلیج‌فارس را انگلیس عنوان کرد و افزود: انگلیس در هر کجای دنیا که سابقه حضور داشته، مانند زمانی که در شبه قاره هند بوده و از آنجا بیرون رفت، تلاش کرده استخوان لای زخمی بگذارد و در شبه قاره هند موضوع کشمیر که سبب اختلاف بین هند و پاکستان شد را به‌وجود آورد. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تاکید کرد: انگلیس در خلیج‌فارس هم این رویه را دنبال کرد و پس از خروج از این منطقه، موضوع جزیره بوموسی را مطرح کرد. در حالی که صدها سال پیش از تولد امارات متحده عربی، این جزایر متعلق به ایران بوده و این ادعاها هیچگونه کمکی به امارات نخواهند کرد. بروجردی ادامه داد: به کشور امارات و شورای همکاری خلیج‌فارس توصیه می‌کنم به جای پرداختن به چنین مسائلی که آسیب زننده به روابط دو کشور است، واقعیت‌ها را بپذیرند و از ایجاد تنش که نهایت خود آنها متضرر خواهند شد، پرهیز کنند.

«آرمان ملی» مواجهه مجلس و دولت را بررسی می‌کند

دوگانه بهارستان با «وفاق»

جلال رشیدی کوچی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»: استیضاح وزرای دولت جنبه سیاسی دارد

آرمان ملی- حمید شجاعی: تعامل ضمنی را کنار گذاشته و رسما تقابل را آغاز کرده‌اند و در این مسیر مصرانه و مجدانه پیش می‌روند. انگار نه انگار که کشور در شرایط، حساس قرار دارد و لزوم اتحاد و وحدت در جهت حل مشکلات کشور احساس می‌گردد. سخن در باب بهارستان نشینانی است که گرچه ابتدا دست همکاری و وفاق به پزشکیان دادند اما رفته رفته رویه را تغییر داده و در پی اعمال رفتارهایی بر آمدند که نه تنها سویه‌هایی از وفاق ملی ندارد بلکه عملا در جهت مخالفت با دولت قدم بر می‌دارند. گویی اینکه اساسا وفاق ملی پزشکیان برای آنها تعارفی بیش نبوده و در ظاهر دست وفاق و همکاری به رئیس جمهور داده‌اند؛ اما در عمل کار را مطابق میل و نظر خود پیش می‌برند. مواجهه بهارستان نشینان با پزشکیان و دولتمردانش به وضوح نشان می‌دهد که اساسا نگاه همگرایی و همدلی از جانب مجلس نسبت به دولت وجود ندارد. البته که به عقیده عده‌ای عمده مشکل مجلسی‌ها با خود رئیس جمهور و دولتش است. چه اینکه بسیار گفته می‌شود این مجلس در راستای همراهی و همگرایی با رئیس جمهور فقید تشکیل شد و پس از حادثه‌ای که رخ داد و انتخابات زودهنگام عده‌ای از نمایندگان و تندروها نهایت تلاش خود را داشتند که چهره مدنظر و همراستا با اهداف و منویات خود را روی کار آورند؛ اما چرخ سیاست بر وفق مراد آنها نچرخید، جریان رقیب به پیروزی رسید، مسعود پزشکیان روی کار آمد و دولت متبوع خود را تشکیل داد. لذا عده‌ای از نمایندگان از همان ابتدای دولت بنا را بر تخریب، تخطئه و در نهایت پایین کشیدن دولت گذاشتند. این نگاه را می‌توان به وضح در برخورد تندروهای مجلس دید. چنانکه از همان روزهای اول در ماجرای رای اعتماد و سپس انتصابات، تصمیمات و اقدامات دولت شمشیر را از رو بسته و در تلاش برای اخلال در کار دولت یا کنارزدن چهرهای مفید و موثر بر آمدند. و اگر نبود برخی موانع، ایستادگی هیأت رئیسه و حمایت‌های رهبر انقلاب از دولت پزشکیان شاید امروز دست‌کم شاهد تغییر ۵۰ درصد از وزرای کابینه بودیم. هر چند که تندروهای بهارستان به وفور نشان داده‌اند که از بیانات و رهنمودهای رهبری نیز عبور کرده‌اند. اگر نه پس از دو مقطع دیدار نمایندگان با رهبر انقلاب حداقل باید نگاه مجلس به دولت تغییر می‌نمود و به جای مچ‌گیری و تقابل با دولت از، در تعامل و همراهی در می‌آمدند. واقعیت امر بر آن است که هر چه رئیس جمهور و دولت بر خط وفاق و همدلی پیش رفته و تاکید می‌کنند نمایندگان مجلس با رد وفاق با دولت به‌دنبال طرح‌های نظارتی خود از جمله سوال و استیضاح هستند.

استیضاح سیاسی

شاید زمانی‌که رهبر انقلاب در ویدئوی تلویزیونی خود در حمایت از دولت گفتند: «کار اداره کشور سخت و سنگین است و دولت نیز کارهای خوبی از جمله ادامه کارهای نیمه‌تمام شهید رئیسی را شروع کرده که ان شاءا... نتایج آن را مردم خواهند دید. از رئیس جمهور محترم و دولت خدمتگزار حمایت کنیم»، انتظارها بر این بود که پروژه استضاح‌ها در جایی متوقف شود یا حداقل هیات رئیسه مجلس در مقابل استیضاح ۴ وزیر ایستادگی کند. اما روال عادی در پیش برد استیضاح‌ها نشان داد که گویا مجلس یکدست دنبال تغییرات در دولت است. چه اینکه برخی نمایندگان نیز در گفت‌وگوهایی بر این نکته تاکید داشتند که پیشنهادمان بر این است که پیش از استیضاح‌ها دولت خود استارت تغییرات را بزند و برخی وزرا را جابه جا کند. حال پرسش این است که اساسا تاکنون استیضاح چه میزان بر تغییر شرایط تاثیر داشته است که نمایندگان اصرار بر به‌کارگیری این ابزار نظارتی خود دارند؟ اگر هدف از استیضاح کمک به دولت در جهت روی کارآمدن چهره‌های کارآمدتر باشد شاید بتوان آن را پذیرفت؛ اما به تجربه ثابت شده که نمایندگان به‌دنبال این معنا نبوده و نیستند و استیضاح‌ها رنگ و بوی سیاسی دارد. نمونه بارز و واضح این امر را می‌توان در ماجرای استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر سابق اقتصاد دید. جایی‌که در روز استیضاح، امیرحسین ثابتی نماینده تندرو تهران پشت تریبون قرار گرفت و با بهانه افزایش قیمت ارز به دست همتی خطاب به رئیس جمهور گفت: «خدای نکرده اگر ما بخواهیم مانعی برای دولت شما ایجاد کنیم بهتر از آقای همتی نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. ما باید کنار می‌رفتیم و می‌گفتیم چه کسی بهتر است از آقای همتی؟ چراکه با این دست فرمان قیمت ارز کار را خودش جلو می‌برد و دولت دیگر نیازی به دشمن ندارد. به خدا قسم من می‌خواهم به آقای رئیس جمهور کمک کنم و می‌خواهم که عامل بخشی از گرانی ارز را از دولت کنار بکشانیم». اینگونه با فشارها همتی را از قطار دولت پیاده کردند. اما امروز، که ۹ ماه از آن جریان می‌گذرد قیمت ارز از ۸۰ هزار تومان به ۱۳۰ هزار تومان رسیده و مشخص شده که مشکل همتی نبوده و اشکال کار در جای دیگری است و همتی قربانی استیضاح سیاسی تندروها شده است. در حالی‌که اگر همان زمان که کارشناسان مطرح می‌کردند مشکل در بانک مرکزی است و تغییرات باید از، در این محل صورت گیرد آن انفاق رخ می‌داد شاید امروز، شاهد چنین شرایطی نبودیم. چه اینکه چندی پیش محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس نیز تلویحا به اشتباه بودن استیضاح همتی اشاره کرده بود. حال این نکته به اذهان متبادر می‌شود که چه تضمینی است در استیضاح‌های دیگر نیز اهداف استیضاح همتی نهفته نباشد و این استیضاح‌ها شرایط را بهبود دهند.

صداقت و شفافیت

یک نماینده سابق مجلس در خصوص استیضاح وزرا و عدم درس‌گیری از استیضاح همتی اظهار داشت: باید بپذیریم استیضاح حق نمایندگان است. اما در مورد آقای همتی همان زمان نگاه من این بود که این استیضاح کاملا سیاسی است. یعنی وزیری که هنوز شش ماه نیست بر مسند مسئولیت نشسته چگونه می‌خواهند عملکردش را ارزیابی کنند و بر اساس آن استیضاح کنند؟ بهتر بود شفاف و صادقانه بگویند همتی را استیضاح می‌کنیم چون مثلا ایشان در زمان انتخابات ریاست جمهوری دو دوره قبل رقیب آقای رئیسی بوده یا مثلا از صحبت‌هایش ناراحتیم یا چون وی را یک فرد سیاسی می‌بینیم وی را صاحب صلاحیت در این پست نمی‌بینیم. اما طبیعی بود که قیمت ارز افزایش خواهد یافت. جلال رشیدی کوچی به «آرمان ملی» گفت: راجع به بقیه وزرا نگاه من این است که برخی از وزرای دولت واقعا ضعیف هستند و این مساله را نباید نادیده بگیریم. برعکس اتفاقا آقای همتی جزو وزرای قوی دولت بود که حذف شد ولی برخی از وزرا در واقع وزرای ضعیفی هستند و مجلس حق دارد استیضاح کند. وی افزود: اما بهتر است که اگر قرار به استیضاح است دلیل و برهانی صادقانه بیاورند. البته مجلس نشان داده که بیشتر این استیضاح‌ها بیش از جنبه فنی، جنبه سیاسی دارد. کوچی تصریح کرد: واقعا جای تعجب دارد، مجلسی که می‌داند مشکل اصلی در مساله ارز فرزین؛ رئیس بانک مرکزی و سیاست‌هایی است که اعمال می‌کند، چرا ترتیبی برای تغییر وی نمی‌دهد؟

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی مطرح می‌کند

«سرمایه اجتماعی» در گِرو چالش‌های معیشتی

محمدصالح جوکار: باید برای تقویت اعتماد عمومی گام برداریم

آرمان ملی- گروه سیاسی: افزایش بی‌سابقه نرخ ارز در بازار تهران و عبور قیمت دلار از مرز ۱۲۹ هزار تومان، تنها یک شاخص اقتصادی نیست، بلکه نشانه‌ای آشکار از فشاری فزاینده بر زندگی روزمره میلیون‌ها نفر از اقشار آسیب‌پذیر جامعه است. همانطوری که در سال‌های اخیر مشاهده می‌کنیم این جهش قیمتی، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، هزینه‌های اساسی زندگی را تحت تأثیر قرار داده و توان تأمین نیازهای اولیه را برای بخش قابل‌توجهی از مردم با دشواری جدی مواجه کرده است. افزایش قیمت کالاهای مصرفی، خدمات، مسکن و درمان، بیش از همه خانوارهایی را درگیر کرده که درآمد ثابت یا حداقلی دارند و امکان تطبیق سریع با شرایط جدید اقتصادی برای آنان فراهم نیست. در چنین وضعیتی، معیشت اقشار کم‌درآمد به مرحله‌ای حساس رسیده است؛ جایی‌که کاهش قدرت خرید، به حذف تدریجی اقلام ضروری از سبد خانوار منجر می‌شود و ناامنی اقتصادی به نااطمینانی روانی و اجتماعی دامن می‌زند. این فشار مستمر، تنها به سطح رفاه محدود نیست، بلکه پیامدهای عمیق‌تری در لایه‌های اجتماعی بر جای می‌گذارد. «سرمایه اجتماعی»، که بر پایه اعتماد، مشارکت و همبستگی میان مردم و نهادهای حاکمیتی شکل می‌گیرد، در شرایط بحران معیشتی به‌شدت آسیب‌پذیر است. هرچه فاصله میان هزینه‌های زندگی و سطح درآمد افزایش یابد، احساس تعلق اجتماعی کاهش یافته و تمایل به همکاری، مشارکت مدنی و همراهی با سیاست‌های عمومی تضعیف می‌شود. در مقابل، بی‌توجهی به مطالبات معیشتی اقشار آسیب‌پذیر می‌تواند به بی‌اعتمادی گسترده و کاهش سرمایه اجتماعی منجر شود؛ سرمایه‌ای که نقش حیاتی در عبور از بحران‌ها و حفظ انسجام اجتماعی دارد. از این منظر، بررسی وضعیت معیشتی اقشار آسیب‌پذیر تنها یک ضرورت اقتصادی نیست، بلکه مساله‌ای راهبردی در حوزه اجتماعی و حکمرانی محسوب می‌شود. توجه به آثار افزایش نرخ ارز بر زندگی مردم و درک پیوند مستقیم آن با سرمایه اجتماعی، می‌تواند مقدمه‌ای برای اتخاذ سیاست‌هایی باشد که هدف آنها نه‌تنها کنترل شاخص‌های اقتصادی، بلکه حفظ کرامت انسانی، تقویت اعتماد عمومی و پایداری اجتماعی در شرایط دشوار کنونی است. در این مورد با رئیس کمیسیون امور داخلی مجلس گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

رفع نیازهای معیشتی

محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مورد اینکه آخرین ارزیابی‌ها از سرمایه اجتماعی چه مواردی را نشان می‌دهد، به خبرنگار «آرمان ملیاً» می‌گوید: «ابتدا باید بر این مورد تاکید کنم که در ساختار جمهوری اسلامی ایران که بر پایه اراده مردم، مشارکت عمومی و تحقق عدالت اجتماعی بنیان‌گذاری شده است، بهبود معیشت ملت یک مسئولیت همگانی و مأموریتی فراتر از یک نهاد یا قوه خاص به شمار می‌رود. ثبات اقتصادی و ایجاد اطمینان در فضای تولید و مصرف، یکی از ارکان اساسی حفظ سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی است؛ امری که بدون همکاری و هم‌افزایی همه ارکان حاکمیت و همراهی مردم محقق نخواهد شد. افزایش قیمت‌ها در ماه‌های اخیر، پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد کشور به همراه داشته است. این وضعیت، قدرت پیش‌بینی را از تولیدکنندگان سلب کرده و آنان را در برنامه‌ریزی برای آینده، سرمایه‌گذاری و حفظ اشتغال با تردیدهای جدی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، تولید آسیب می‌بیند و در نهایت، این مصرف‌کننده و کل جامعه هستند که هزینه این شرایط را پرداخت می‌کنند. نوسانات مداوم قیمت‌ها فشار مضاعفی بر معیشت خانوارها وارد می‌کند که امیدواریم در آینده کوتاه با همکاری هر سه قوه مشکلات کم‌رنگ شوند». او در همین مورد و با اشاره به اهمیت جلب رضایت جامعه ادامه می‌دهد: «از سوی دیگر، مساله ناترازی‌ها در نظام پرداخت حقوق و دستمزد، به‌ویژه شکاف عمیق میان کارکنان دولت و بخش‌های معدنی و صنعتی، موجب تشدید احساس تبعیض و کاهش انگیزه نیروی کار شده است. این روند علاوه بر آثار اجتماعی، بهره‌وری نیروی انسانی را کاهش داده و مانعی جدی در مسیر توسعه متوازن کشور ایجاد می‌کند. رفع این چالش‌ها نیازمند اصلاحات ساختاری، شفافیت در تصمیم‌گیری و توجه جدی به عدالت در توزیع منابع و فرصت‌هاست. در این میان، نقش قوای سه‌گانه در ایجاد ثبات بازار و بهبود شرایط اقتصادی، نقشی کلیدی و تعیین‌کننده است. هماهنگی میان قوه مجریه، مقننه و قضائیه می‌تواند بستر لازم برای تصمیم‌گیری‌های مؤثر، اجرای سیاست‌های پایدار و مقابله با عوامل بی‌ثبات‌کننده اقتصاد را فراهم سازد. دولت، به‌عنوان متولی اصلی اداره امور اجرایی کشور، باید با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های خود، در جهت حفظ سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی گام بردارد؛ چرا که بدون ثبات اقتصادی، دستیابی به این اهداف ممکن نخواهد بود». این نماینده شهروندان یزد در بهارستان با مهم خواندن بهبود وضعیت معیشتی اضافه می‌کند: «کشور ما از ظرفیت‌های خدادادی فراوانی برخوردار است که معادن، نمونه‌ای بارز از این توانمندی‌ها به شمار می‌روند. بهره‌برداری عادلانه و مردمی از این منابع، می‌تواند نقش مهمی در ریشه‌کن کردن فقر و کاهش نابرابری‌ها ایفا کند. توجه ویژه دولت به این رویکرد، می‌تواند گامی اساسی در جهت تحقق عدالت اجتماعی و بهبود معیشت ملت باشد؛ هدفی که در نهایت، به استحکام پایه‌های نظام اسلامی و رضایتمندی عمومی منجر خواهد شد».

گزارش

مورد عجیب آمرین به معروفی که نیازمند نهی از منکر هستند

طالبی دارستانی، معتقدتر از ولی فقیه به حجاب؟

خبر کذب بستری شدن مهری طالبی دارستانی، چهره سیاسی تندرو پس از احضار به دادسرا، موجی به راه انداخت؛ موجی که رسانه‌ها و حساب‌های کاربری نزدیک به دولت سیزدهم و سعید جلیلی آن را برجسته کردند تا او را چهره‌ای مظلوم نشان دهند که در راه عفاف و حجاب، سلامتش به خطر افتاده است.

هفته گذشته محمدمنان رئیسی، نماینده تندرو مجلس، در کانال خود در ایتا نوشت: دادسرای امنیت مهری طالبی دارستانی را پس از حضور در تجمع عفاف و حجاب احضار کرده و او پس از بازجویی «بی‌ادبانه» دچار حمله عصبی، سکته گذرا شده و در بیمارستان بستری شده است. این نماینده این خبر را با تیتر «خاک بر سرتان با این نوع اسلام‌تان!» منتشر کرد و مدعی نفاق در دستگاه‌های امنیتی شد. پس از آن، رسانه‌های جناح راست اگرچه بستری شدن طالبی دارستانی را تأیید کردند، اما گفتند: این موضوع ارتباطی با حضور او در دستگاه قضایی نداشته است. تسنیم در مطلبی نوشت: طالبی دارستانی و روحا... مؤمن‌نسب، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران، اخیرا برای ارائه برخی توضیحات به دادسرا احضار شده‌اند.

«آنچه به لحاظ مراجعه به بیمارستان برای خانم دارستانی رخ داده، ارتباطی به زمان حضور ایشان در دادسرا ندارد و روایت‌هایی که می‌گویند ایشان در حین حضور در دادسرا دچار فشار عصبی و سکته شده است، واقعیت ندارد».

یک روز پس از احضار!

طالبی دارستانی از جمله زنان تندروی اصولگرا محسوب می‌شود که مواضع تندوتیز او نسبت به زنان و موضوع حجاب به حدی است که حتی او را از جمله زنان ضدزن می‌دانند. او مدتی رئیس اداره خانواده و عفاف و حجاب ستاد امر به معروف تهران بود و در دوره مسئولیت خود طرحی برای تأسیس «کلینیک ترک بی‌حجابی» ارائه داد. به نوشته خبرآنلاین؛ این کلینیک که پس از حوادث ۱۴۰۱ مطرح شد، واکنش‌های گسترده‌ای به‌دنبال داشت؛ چراکه بی‌حجابی را به اعتیاد و حتی مشکلات روحی و روانی تشبیه می‌کرد.

توهین‌های این چهره به همین جا ختم نشد. پس از روی کارآمدن دولت پزشکیان، او در شبکه اجتماعی ایکس رئیس جمهور را «لات، دروغگو، نادان و ترسو» خطاب کرد؛ هتاکی‌ای که باعث شد ستاد امر به معروف، ضمن عذرخواهی، او را از سمت خود برکنار کند. این در حالی بود که با آغاز به کار دولت پزشکیان، شورای عالی امنیت ملی جلوی ابلاغ قانون عفاف و حجاب را گرفت و این تصمیم با واکنش چهره‌های تندرو روبه‌رو شد. از جمله این چهره‌ها سعید جلیلی بود که وجود هرگونه مصوبه شورای عالی امنیت ملی در این زمینه را تکذیب می‌کرد. با این حال، محمدباقر قالیباف و مشاور او اعلام کردند که در جلسه‌ای که رأی به توقف ابلاغ قانون عفاف و حجاب داده شد، سعید جلیلی نیز حضور داشته است.

خط رسانه‌ای تندروها

با ورود پلیس به ماجرا و پایان دادن به تجمعات، همین افراد اندک موج رسانه‌ای به راه انداختند که مورد برخورد خشونت‌آمیز قرار گرفته‌اند. آن موقع هم طالبی دارستانی دست به کار شد و در مطلبی نوشت: «از سر زن شیعه مقابل نامحرم روسری و چادر کشیده شده و التماس می‌کردند که روسری را بدهید و نمی‌دادند. باید مشخص شود کدام مسئول در روز قدس چنین دستوری را صادر کرد. باید این مسئول هرکه هست به جرم هتک حرمت زن عفیفه محاکمه شود».

حالا جریان سیاسی او، همین روایت را در خصوص او می‌سازد؛ در رسانه‌های نزدیک به آنها از طالبی دارستانی چهره‌ای ترسیم می‌شود که در راه حجاب مظلوم و مورد خشونت واقع شده تا جایی که سلامتش نیز به خطر می‌افتد. این در حالی است که بسیاری از ناظران سیاسی اقدامات این جریان در روز قدس را باعث به حاشیه رانده شدن راهپیمایی روز قدس دانستند و در سناریوهای خوشبینانه آنها را متهم به وقت‌نشناسی کردند. از سوی دیگر حضور روحا... مومن‌نسب به‌عنوان دبیر ستاد امر به معروف استان تهران و از سوی دیگر نفوذ طالبی دارستانی در این ستاد گرچه از سمت قبلی‌اش برکنار شده، و همچنین حضور عناصر وابسته به تشکل تندروی شریان در مناصب اصلی ستاد کشوری، باعث شد تا بسیاری این ستاد را بیشتر به پایگاه یک جریان سیاسی برای تقابل با دولت شناسایی کنند تا ستادی برای امر به معروف و نهی از منکر. این ترکیب سیاسی نشان می‌داد که ستاد امر به معروف و نهی از منکر، منزلت خود را به یک جریان سیاسی تندرو تقلیل داده است.

چیزی که اخیرا محمدباقر قالیباف رئیس مجلس نیز موضع‌گیری‌های این گروه تندرو را نه از سر دغدغه حجاب شرعی، بلکه دستاویزی سیاسی دانسته بود. این در حالی است که مردم از یک سو زیر فشار تحریم‌های خارجی و از سوی دیگر تحت فشار شدید معیشتی قرار دارند. جماعت بنیادگرا نه تنها موقعیت‌شناس نیستند، بلکه چنان رفتار می‌کنند که گویی دغدغه و مشکلات مردم ایران را اهمتی قائل نیستند.

آنها در ظاهر خود را وفادار به نظام سیاسی نشان می‌دهند، اما در مواردی چون اعتراض به دفتر رهبری یا مخالفت با عدم اجرای قانون عفاف و حجاب که مصوب شورای عالی امنیت ملی به عنوان عالی‌ترین نهاد امنیتی کشور است، نشان می‌دهند که آنها فقط شعار التزام به ولایت فقیه نشان می‌دهند اما در عمل از آن عبور می‌کنند؛ به همین علت صفت تندرو برای آنها به کار می‌رود. ترکیب افرادی که خبر بستری شدن طالبی دارستانی را به این شکل رسانه‌ای کردند، در کنار پایداری چی‌های حاضر در تجمعات سال گذشته، نشان می‌دهد که «امر به معروف و نهی از منکر» به ابزاری سیاسی برای آنها تبدیل شده است.